

کاربست قاعده حریم حمی در مراقبت از کانون خانواده (با تأکید بر عوامل برون خانوادگی)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۸/۲۵

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۴/۱۰

سعید داودی*

چکیده

خانواده از نگاه اسلام دارای جایگاه ویژه‌ای است که مراقبت و هدایت آن به جایگاه واقعی و متعالی خود، همواره مورد توجه آموزه‌های دینی بوده است؛ از این رو تحکیم خانواده و حفظ خانواده از آسیب‌ها به‌ویژه روابط زوجین، از اولویت‌های اسلام است. یکی از راه‌های مراقبت از کانون خانواده و دور داشت روابط زوجین از آسیب‌ها، قاعده فقهی «حریم حمی» است. مقصود از این قاعده، حریم‌سازی برای امور مهم و خطرناک، جهت مراقبت هرچه بیشتر از نقطه کانونی است. این قاعده ریشه در سیره عقلا، آیات و روایات دارد. این قاعده را می‌توان برای مراقبت هرچه بیشتر از کانون خانواده که موضوع پر اهمیتی نزد شارع است، به‌کار گرفت. شارع با تعبیه لایه‌های حفاظتی و کمربندی‌های امنیتی، تلاش می‌کند این کانون مقدس را محافظت نماید. در بخش برون از محیط خانواده، دستورهایی مانند رعایت حجاب، دوری از اختلاط با نامحرمان، دوری از نگاه‌های هرزه و شهوت‌آلود، اجتناب از خلوت با نامحرمان و حرمت خواستگاری از مطلقه رجعیه در زمان عده و مانند آن، حریم‌هایی هستند که برای مراقبت هرچه بیشتر از کانون مهم و ارزشمند خانواده برای زنان و مردان مقرر شده است. هرچند برخی از این فرمان‌ها، مخاطب ویژه‌اش زنان هستند؛ چراکه آسیب‌دیدگی آنان از این ولنگاری‌ها بیش از مردان خواهد بود.

پژوهش حاضر باروش توصیفی - تحلیلی به پردازش اطلاعات قرآنی - روایی، با هدف دسترسی به راهکارهای مراقبت از خانواده از طریق قاعده حریم حمی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: روابط زوجین، مراقبت از خانواده، قاعده حریم حمی، حجاب و عفاف.

* استادیار گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی (saeeddavoodi@gmail.com).

مقدمه

خانواده در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد. در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هم برای اصل تشکیل خانواده و هم شیوه‌های تدبیر خانواده و هم برای جلوگیری از انحلال خانواده توصیه‌های گوناگون و احکام الزامی و ترجیحی فراوانی بیان شده است. برخلاف رویکردهای «خانواده گریز» و حتی «خانواده ستیز» در پاره‌ای از سبک‌های زندگی به‌ویژه در سبک زندگی غربی، نظام تشریح اسلامی «خانواده‌پذیر» و «خانواده‌گرا» می‌باشد. سلامت خانواده را اساس سلامت جامعه می‌داند؛ از این‌رو مراقبت از کانون خانواده، از جهات مختلف مورد توجه شریعت اسلامی بوده و اصول و راهکارهای مختلفی برای صیانت از خانواده به‌کار گرفته است. یکی از این راهکارها، قاعده «حریم حمی» یا «مراقبت از حریم احکام الهی» با شیوه «حریم‌گذاری برای نقطه کانونی خانواده» برای حفاظت از این کانون مقدس است.

علت این «حریم‌سازی» یا برای «حرمت» و «ممنوعیت» شدید نقطه کانونی است یا احتمال بالای ابتلای به آن در صورت عدم رعایت محیط پیرامونی. «حمی» آن نقطه کانونی است که برای عدم ارتکاب آن، قانونگذار حریمی را وضع می‌کند. مراقبت از آن حریم و لزوم محافظت از آن، نقطه کانونی (حمی) را در حریم امن بیشتری قرار می‌دهد. این قاعده، خطوط قرمزی را برای محدوده خطر ترسیم می‌کند که رعایت آنها تضمینی مطمئن برای آسیب ندیدن نقطه کانونی است. کاربرد این قاعده در عرف عقلا و در شریعت فراوان دیده شده است. این نوع رفتار را می‌توان «مراقبت (یا صیانت) از حریم حمی» نامید. که به‌اختصار از آن به «قاعده حریم حمی» تعبیر می‌کنیم.

از این قاعده می‌توان در حفظ و تحکیم خانواده و پیشگیری از آسیب‌های خانوادگی نیز استفاده کرد؛ چراکه نظام خانواده یک حمای مورد توجه ویژه شارع مقدس است. اعضای خانواده، باید حریم‌هایی را میان خود و فرزندان و بیگانگان تعریف کنند و قانونگذار نیز سیاست‌هایی را در حول آن وضع کند تا از خدشه به حمای خانواده جلوگیری شود.

در پژوهش پیش‌رو، از بین وظایف درون خانوادگی و برون خانوادگی، موارد برون خانوادگی برای مراقبت از حمای خانواده بررسی می‌شود. مقصود از درون خانوادگی یعنی عواملی که میان زوج و زوجه در روابط فی‌مابین وجود دارد که رعایت آنها به استحکام نهاد خانواده و ترک آن سبب تزلزل کانون خانواده می‌شود؛ عواملی مانند معاشرت به معروف، مهرورزی، دوری از انواع

خشونت، رضایتمندی جنسی، گشاده‌دستی در امور زندگی و مانند آن. در سوی دیگر آن، عوامل برون خانوادگی قرار دارد؛ یعنی اموری که بیرون از رابطه زوج و زوجه و در ارتباط با بیگانگان قرار می‌گیرد که مراقبت از آن، کانون خانواده را استحکام می‌بخشد. این مقاله در بیان عوامل برون خانوادگی است و به این سؤال اصلی پاسخ می‌دهد که: براساس قاعده حریم حمی، چه عوامل برون خانوادگی بر مراقبت از کانون خانواده تأثیر دارد و بی‌توجهی به آنها به تزلزل روابط زوجین می‌انجامد؟

عنوان «قاعده حریم حمی» در کلمات اندیشمندان و صاحب‌نظران اسلامی در گذشته و حال _ تا آنجا که تحقیق صورت گرفته _ نه در بحث‌های اصولی و نه در قواعد فقهیه به گونه‌ای مستقل مورد بررسی و توجه قرار نگرفته است. هرچند ریشه این قاعده را می‌توان در آیات و روایات جستجو کرد، ولی در کلمات اندیشمندان به عنوان یک قاعده مطرح نشده است؛ تنها پژوهشی که در این زمینه انجام شده، مقاله‌ایست با عنوان «قاعده حریم حمی» که توسط نگارنده در سال ۱۳۹۳ در مجله حقوق اسلامی، شماره چهل و سوم منتشر شده است و همچنین رساله علمی سطح ۴ با عنوان «رعایت حریم حمی و کاربرد آن در سیاست‌های کلان فرهنگی کشور از منظر قرآن و روایات» با راهنمایی نگارنده توسط حسین شریفی در سال ۱۳۹۶ تدوین و دفاع شده است. اما به‌کارگیری «قاعده حریم حمی برای مراقبت از کانون خانواده» پژوهش جدیدی است که پیشینه‌ای ندارد.

لغت‌شناسان «خانواده» را خاندان، اهل خانه و دودمان معنا کرده‌اند (عمید، ۱۳۶۳، ص ۵۴۲/ معین، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۳۹۴)؛ در این تعاریف، خانواده علاوه بر زن و شوهر و فرزندان، شامل همه خویشاوندان نیز می‌شود.

معادل عربی خانواده، واژه «أسره» است که در اصل به معنای زره محکم بوده و به بستگان «أسره» گفته می‌شود چراکه نقشی عمده‌ای در حمایت از فرد ایفا می‌کنند (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۷۸-۵۷۹/ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۰). همچنین واژه «عائله» و «عیال» نیز به معنای خانواده است؛ هرچند «عیال» در اصل به معنای افراد تحت تکفل است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۱، ص ۴۸۵) و به گفته طریحی: «عیال مرد، به کسانی می‌گویند که هزینه‌هایشان را می‌پردازد» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۳۲).

در اصطلاح نیز خانواده به معانی متعددی به کار رفته، ولی جامع‌ترین آن توسط شورای عالی

انقلاب فرهنگی در تصویب نامه «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» در مورخ ۱۳۸۴/۴/۷ آمده است: «خانواده گروهی است متشکل از افرادی که از طریق نسب یا سبب و رضاع با یکدیگر به عنوان شوهر، زن، فرزندان، مادر، پدر، برادر و خواهر در ارتباط متقابلند و فرهنگ مشترکی پدید آورده و در واحد خاصی به نام خانواده زندگی می‌کنند» (ر.ک: هدایت‌نیا، ۱۴۰۱، ص ۳۲). در پژوهش حاضر، مقصود ما از خانواده معنای خاص آن، یعنی زوج و زوجه است.

قاعده حریم حمی از دو واژه «حریم» به معنای به معنای اطراف و محدوده از یک چیز که ورود و تصرف آن برای غیرصاحبش ممنوع است. (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۲۲۲/ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۴۵). و «حمی» به معنای قرقگاهی که ورود به آن ممنوع است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۱۲) گرفته شده است. از این رو مراقبت از «حریم حمی» یعنی گسترش حریم ممنوعه از نقطه کانونی به محیط پیرامونی و توسعه کمربند حفاظتی، به منظور مراقبت هرچه بیشتر از نقطه کانونی. با مطالعه آیات و روایات بدست می‌آید؛ شارع مقدس در پاره‌ای از موضوعات که به نظر او بسیار پر اهمیت است، حکم حرمت را به محیط پیرامونی سرایت داده است تا هرچه مطمئن‌تر از آن موضوعات مهم مراقبت نماید؛ چراکه مکلف با نزدیک شدن به منطقه ممنوعه الهی عادتاً در محدوده حرمت قدم خواهد گذاشت؛ از این رو می‌توان حرمت قطعی را در مواردی که نزد شارع از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است، از متعلق حکم به انگیزه حفاظت بیشتر از آن، به محیط اطراف آن تعمیم داد. نام این قاعده «مراقبت از حریم حمی» است که به اختصار «قاعده حریم حمی» نامگذاری شده است. مهم‌ترین دلیل اثبات قاعده حریم حمی، سیره عقلاست. عقلا در امور مهم و خطیر برای مراقبت بیشتر از نقطه کانونی، محیط‌های پیرامونی تعریف می‌کنند تا افراد را از ابتلای به نقطه کانونی حفظ کنند. مانند پرتگاه‌های خطرناک؛ شنا در مناطق خطر خیز و مراقبت از مناطق حساس نظامی که تا شعاع زیادی از نزدیک شدن به نقطه کانونی جلوگیری می‌کنند. شارع که رئیس عقلاست طبعاً با این موارد مخالفتی ندارد، بلکه خودش نیز در امور مهم همین‌گونه عمل کرده است. در روایتی از رسول خدا ﷺ از حرام الهی به حمای الهی تعبیر شده است که از نزدیک شدن به آن پرهیز داده شده؛ چراکه نزدیک شدن به قرقگاه الهی، سبب ورود به آن و تعدی به حریم الهی می‌گردد «إِنَّ لِكُلِّ مَلِكٍ حِمِّيَّ، وَ إِنَّ حِمِّيَّ اللَّهِ خَلَالُهُ وَ حَرَامُهُ ... كَمَا لَوْ أَنَّ رَاعِيًا رَعَى إِلَى جَانِبِ الْحِمِّيِّ لَمْ تَثْبُتْ عَنْهُ أَنْ تَقَعَ فِي وَسْطِهِ ...» (طوسی، ۱۴۱۴، ص ۳۸۱). علاوه بر سیره عقلا از ادله نقلی

نیز می توان برای اثبات قاعده «حریم حمی» استدلال کرد (برای آگاهی از ادله اثبات قاعده حریم حمی، ر.ک: داودی، ۱۳۹۳، ص ۵۸۳۹). ذکر این نکته ضروری است که هرچند شباهت‌هایی به مقدمه حرام و سد ذرایع دارد، ولی از آن‌ها در جهاتی متفاوت است.^۱

۱. قاعده حریم حمی هم با مقدمه حرام و هم با سد ذرایع متفاوت است (هرچند با آن‌ها شباهت‌هایی نیز دارد)؛ اما تفاوتش با مقدمه حرام آن که اولاً؛ قاعده حریم حمی یک قاعده فقهی است، ولی مقدمه حرام قاعده اصولی می‌باشد (برای اثبات قاعده فقهی بودن آن، ر.ک: داودی، ۱۳۹۳، ص ۳۶).

ثانیاً، در حرام بودن مقدمه حرام گفتگوست و برخی‌ها جزء اخیر مقدمه و برخی مقدمه موصله .. را حرام می‌دانند و برخی به‌طور کلی آن را حرام نمی‌دانند. هرچند قدما به‌طور مطلق آن را حرام می‌دانستند. (ر.ک: داودی، همان، ص ۵۲ - ۵۴). اما در قاعده حریم حمی به جهت اهتمام شارع به محافظت از نقطه کانونی در موارد پر اهمیت (که از لسان شارع اهمیت آن کشف می‌شود، مانند دماء و فروج و...) برای آن محیط پیرامونی تعریف می‌کند. فقیه مستنتط یا قانون‌گذار با کشف ملاک در موارد مستحدث نیز همان را جاری می‌سازد. غرض اصلی از این حرام شماری محیط‌های پیرامونی، برای حفاظت هرچه بیشتر از نقطه کانونی است. لذا اگر کسی حتی مقدمه حرام را تنها در مقدمه موصله حرام بداند، در موارد پر اهمیت به نزد شارع حکم به حرمت مقدمات می‌کنند. همان گونه که فقهای عظام بسیاری از مقدمات منتهی به مفاسد اخلاقی را حرام می‌دانند و در استفتانات خویش آورده‌اند. هرچند برخی از آنان در دانش اصول، مقدمه حرام را (تا زمانی که به خود حرام منتهی نشود) حرام نمی‌دانند.

مرحوم سیدمحمد تقی حکیم در الاصول العامه للفقهاء المقارن با آن که در بحث مقدمه واجب و حرام همان سخن متأخران و معاصران را معتقد است که ثواب و عقاب تنها بر ذی المقدمه مترتب است و بر مقدماتش عقابی نیست، ولی در ادامه می‌نویسد: نعم لا یبعد القول ان مخالفة بعض النواهی - التي جعلها الشارع سداً عن الوقوع فی بعض المحرمات التي بیغض الشارع وقوعها بغضا شدیداً لکثرة مفاسدها، کالأحكام المتعلقة بالدماء و الأموال و الفروج مما ثبت نهی الشارع عن اقتحام شبهاتها حذراً من الوقوع فی مفاسدها - تستدعی عقاباً علی المخالفة حتی مع عدم مصادفة الشبهة للواقع (حکیم، ۱۴۱۸، ص ۴۰۰).

اما تفاوتش با سد ذرایع که اهل سنت می‌گویند آن که اگر مراد از سد ذرایع مقدمه حرام باشد، همان حکم مقدمه حرام را دارد، ولی آنچه علمای اهل سنت از سد ذرایع می‌گویند، سد و بستن هر ذریعه‌ای به سوی حرام است که با قاعده حریم حمی دو تفاوت عمده دارد: نخست آن که سد ذرایع مربوط به هر نوع حرامی است، ولی دائره اثبات قاعده حریم حمی، مربوط به امور هامة نزد شارع است؛ که در این موارد رعایت احتیاط الزامی است.

آیت الله هاشمی شاهروی می‌نویسد: از کلمات فقها به خوبی اهتمام شارع به دماء و فروج، بلکه اموال استفاده می‌شود و شارع در این موارد احتیاط را واجب کرده است. بنابر این نمی‌توان کسی را که در اسلامش شک وجود دارد به قتل رساند؛ هرچند شبهه موضوعیه‌ای است که فحوص در آن واجب نیست. همچنین نمی‌توان با زنی که احتمال مانع در ازدواجش وجود دارد، بدون فحوص و کشف حقیقت ازدواج نمود یا در مالی که علم به رضایت صاحبش نداریم تصرف کرد (هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۳، ج ۶، ص ۱۹۵).

دیگر آن که سد ذرایع هر ذریعه - هرچند احتمال ذریعه بودن آن برای ارتکاب حرام ضعیف باشد - را حرام می‌داند. درحالی که بر اساس قاعده حریم حمی، این قاعده تنها مربوط به مواردی است که تجاوز به حریم‌ها، به گونه‌ای طبیعی و غالبی به حرام و نقطه کانونی منتهی می‌شود. مثل خلوت با اجنبی یا دیدن فیلم‌های مستهجن یا خواندن

۱. خانواده‌گرایی در اسلام و اهتمام به مراقبت از آن

نظام تشریحی اسلام، خانواده‌گراست، تشویق به ازدواج و تشکیل خانواده و همچنین تلاش برای حفظ خانواده از اولویت‌های اسلام است.

از منظر اسلام تشکیل خانواده، دوست داشتنی‌ترین بنا و پایگاه نزد پروردگار است. (ابن‌بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۸۳ / مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۳، ص ۲۲۲). همان‌گونه که مبعوض‌ترین خانه به نزد خداوند خانه‌ایست که با طلاق گسسته شود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۲۸). این اهتمام برای آن است که سعادت بشریت از خانواده کلید می‌خورد. تنه تنومند جامعه سالم، ریشه در نهال ظریف خانواده دارد.

استاد مرتضی مطهری درباره نقش ازدواج و تشکیل خانواده برای سعادت نسل آینده بشر می‌نویسد: ازدواج تنها برای این نیست که زن و مرد از مصاحبت یکدیگر لذت بیشتری ببرند. ازدواج و تشکیل کانون خانوادگی ایجاد کانون پذیرایی نسل آینده است. سعادت نسل‌های آینده بستگی کامل دارد به وضع اجتماع خانوادگی. دست توانای خلقت برای ایجاد و بقا و تربیت نسل‌های آینده علایق نیرومند زن و شوهری را از یک طرف و علایق پدر و فرزندی را از طرف دیگر به وجود آورده است. (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۶۴۹).

مراقبت از کانون مهم و حساس خانواده از انحرافات اخلاقی و رفتاری، جزء اولویت‌ها و برنامه‌های دین است. قرآن کریم خطاب به مومنان می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.

تعبیر به «قوا» (نگاهدارید) از «وقایه» به معنای حفظ کردن چیزی است از هر خطری که به آن صدمه بزند و برایش مضر باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۹، ص ۳۳۴) و «اهل الرجل» در اصل کسانی‌اند که با او در یک خانه زندگی می‌کنند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۹۶).

رمان‌های فاسد، که به گونه معمول به فساد اخلاقی (از ارتباط نامشروع تا خود ارضایی و...) می‌انجامد. به تعبیر دیگر قاعده حریم حمی مربوط به مواردی است که آن حریم‌ها و مقدمات، جزئی از پازل ارتکاب حرام محسوب شود.

نکته اساسی آن است که قاعده حریم حمی قاعده‌ای است کلیدی در حوزه سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و امنیتی.

بنابراین آیه مربوط است به مراقبت و حراست از کیان خانواده از آسیب‌ها و خطرات پیش روی این نهاد حساس اجتماعی؛ که رها کردن و بی‌تفاوتی نسبت به آن، به معنای گام‌به‌گام پیش رفتن به سوی آتش است.

همچنین تعبیر لباس بودن زن و شوهر برای یکدیگر در آیه «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ هُنَّ» (بقره: ۱۸۷) می‌تواند از کارکردهای خانواده برای جلوگیری از انحرافات اجتماعی باشد؛ زیرا تعبیر لباس کنایه است برای اینکه هر یک از زن و شوهر طرف دیگر خود را از رفتن به دنبال فسق و فجور و اشاعه دادن آن در بین نوع افراد باز می‌دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۴۴).

از سوی دیگر، آموزه‌های دینی کامیابی مشروع جنسی را تنها در محدوده خانواده و میان زوجین مشروع می‌داند و جز آن را تجاوز از حدود می‌شمرد. در وصف مؤمنان آمده است: «وَالَّذِينَ هُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ. إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ. فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ: و آنها که دامان خود را از آلودگی به بی‌عفتی حفظ می‌کنند. تنها با همسران و کنیزانشان آمیزش جنسی دارند که در بهره‌گیری از آنها ملامت نمی‌شوند و هرکس غیر این طریق را طلب کند تجاوزگر است» (مؤمنون: ۷-۵)؛ از این رو باید آسیب‌های خانواده را شناخت و از رسوخ عوامل آن به فروپاشی کانون خانواده جلوگیری کرد؛ همان‌گونه که باید در مسیر تحکیم خانواده از هیچ‌گونه تلاشی فروگذار نکرد.

شهید مطهری می‌نویسد: شک نیست که هر چیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و بالعکس هر چیزی که باعث سستی روابط زوجین و دل‌سردی آنان گردد به حال زندگی خانوادگی زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد. اختصاص یافتن استمتاع و التذاذهای جنسی به محیط خانوادگی و در کادر ازدواج مشروع، پیوند زن و شوهری را محکم می‌سازد و موجب اتصال بیشتر زوجین به یکدیگر می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۴۳۷).

صاحب‌نظران نیز می‌کوشند با استفاده از ظرفیت دانش و تخصص خود، برای مدیریت آسیب‌های خانواده، طرح و برنامه ارائه کنند. منابع اسلامی و احکام و قواعد فقهی نیز از ظرفیت‌های بسیاری برای مدیریت مشکلات و ثمربخشی کارکردهای خانواده برخوردار است. از جمله قواعدی که کمک به سزایی در مدیریت خانواده دارد، قاعده فقهی «حریم حمی» است که کاربست آن در مراقبت از کانون خانواده و جلوگیری از فروپاشی آن نقش تأثیرگذاری دارد.

۲. به کارگیری قاعده حریم حمی در مراقبت از کانون خانواده

اسلام برای مراقبت هرچه بیشتر از کانون خانواده، محیط‌های پیرامونی و کمربندهای حفاظتی متعددی را تعریف کرده است که رعایت آنها از فروپاشی خانواده می‌کاهد. بخشی از این مراقبت‌ها مربوط به درون خانواده است - که خارج از موضوع این مقاله است - ولی برخی از آنها مربوط به رعایت مواردی در برون از خانواده به منظور مراقبت هرچه بیشتر از «حمای خانواده» تعبیه شده است؛ مواردی مانند: غض بصر؛ ستر و حجاب در برابر نامحرمان؛ دوری از اختلاط جنسی در محیط کار؛ دوری از خلوت با نامحرمان؛ رعایت متانت در گفتار و رفتار با نامحرمان و کنترل فضای مجازی در ارتباط با نامحرمان.

پیش از پرداختن به این موارد بیان دو نکته ضروری است:

یک) برخی از احکام الهی در عین حالی که خودشان می‌توانند به سبب داشتن مصالح یا مفاسدی متعلق حکم قرار گیرند، می‌توانند در مسیر یک حکم مهم‌تر نیز قرار داشته باشند. بدین معنا که ممکن است خودشان وجوب نفسی یا حرمت نفسی داشته باشند، ولی در عین حال، نسبت به واجب دیگر یا حرام دیگر وجوب مقدمی یا حرمت مقدمی پیدا کنند.

دو) در تشریح پاره‌ای از احکام، فلسفه‌های متعددی می‌تواند وجود داشته باشد. گاهی حکمت‌های گوناگون در وضع یک حکم (اعم از وجوبی و تحریمی) مورد ملاحظه شارع است. در واقع کارکردهای مختلف آن، سبب حکمت‌های متعددی می‌شود. به عنوان نمونه در حکمت وجوب روزه هم به فلسفه کسب تقوا اشاره شده است «کَتَبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامَ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره: ۱۸۳) هم به انگیزه چشاندن رنج گرسنگی به توانگران به منظور رسیدگی به نیازمندان و گرسنگان «... أَنْ يَذِيقَ الْغَنِيِّ مَسَ الْجُوعِ وَ الْأُمُّ لِيرِئُ عَلَى الضَّعِيفِ وَ يَرْحَمَ الْجَانِعَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۹۳، ص ۳۷۱)؛ هم به حکمت تثبیت اخلاص «فَرَضَ اللَّهُ الصِّيَامَ تَثْبِيثًا لِلْإِخْلَاصِ» (همان، ص ۳۶۸) و هم به انگیزه کسب سلامتی «صُومُوا تَصِحُّوا» (همان، ص ۲۵۵).

همان‌گونه که در حکمت حرمت زنا هم به از بین رفتن نسب‌ها؛ هم به رها شدن تربیت فرزندان و هم به فساد و تباهی موارث اشاره شده است: «حَرَّمَ اللَّهُ تَعَالَى الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفَسَادِ مِنْ ذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَ تَرَكَ النَّزِيَّةَ لِلْأَطْفَالِ وَ فَسَادِ الْمَوَارِيثِ» (ابن بابویه، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۵۶۵).

بنابراین، اگر برای حفظ حریم خانواده که یک حمای مهم در اسلام است، به احکام و دستوراتی از شریعت استناد شده است، اولاً مقصود ما این نیست که خود این متعلق حکم، دارای

مفسده‌ای نمی‌باشد و تنها به منظور حفظ حریم خانواده وضع شده است؛ بلکه ممکن است خودش به سبب داشتن مفساسدی مورد نهی شارع قرار گرفته باشد، ولی در عین حال در مسیر مراقبت هرچه بیشتر از عفت مندی افراد و حفظ کانون خانواده نیز به کار گرفته می‌شود. ثانیاً، آنچه در حکمت این حریم‌ها مورد گفتگو قرار می‌گیرد به انگیزه انحصار مصلحت آن در یک مورد نیست. بلکه مقصود آن است که از حکمت‌های وضع احکامی مانند غض بصر، حجاب، غیرت‌ورزی، نهی از اختلاط و خلوت با نامحرم و مانند آن می‌تواند به منظور مراقبت از کانون مقدس خانواده و توجه هر یک از زوجین تنها به یکدیگر در بهره‌مندی جنسی باشد. هرچند آثار دیگری نیز بر مراقبت از این دور داشت‌ها وجود دارد.

به هر حال، مواردی از احکام الهی که می‌توان آن را در مسیر مراقبت از کانون خانواده و در مسیر «حریم‌سازی» و «ایجاد کمربندهای امنیتی» برای مراقبت هرچه بیشتر از «کانون خانواده» به کار گرفت از این قرار است:

۲-۱. غض بصر (فرو انداختن چشم در برابر نامحرم)

از دستوراتی که می‌توان آن را در راستای حریم‌سازی برای عفت مندی و «مراقبت از کانون خانواده» مورد توجه قرار داد، دستور به «غض بصر» در مواجهه با نامحرم است، که در آیات ۳۰ و ۳۱ نور آمده است.

قرآن کریم، قبل از توصیه به رعایت پوشش و حجاب توسط زنان؛ به مساله «غض بصر مردان» نسبت به زنان نامحرم پرداخته و آنگاه همین سفارش را به زنان فرموده است. می‌فرماید: «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ» به مؤمنان بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرم] فروگیرند و دامان خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است؛ خداوند از آنچه انجام می‌دهید آگاه است» (نور: ۳۰) و «وَقُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...» و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند...» (نور: ۳۱).

همانگونه که از چینش آیات مذکور استفاده می‌شود «يَغُضُّوا . يَحْفَظُوا . يَحْفَظْنَ» در لزوم عفت و پاکدامنی و ترک نگاه حرام، بین زن و مرد فرقی نیست.

«يَغُضُّوا و يَغْضُضْنَ» از ریشه «غ ض ض» به معنای کم کردن صدا و کم کردن نگاه است. آنچنان

که راغب گوید: «الغض: النقصان من الطرف و من الصوت» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۶۰۷) در قرآن کریم از قول لقمان به فرزندش آمده: «وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ» (لقمان: ۱۹) یعنی وقتی کسی را می‌خوانی از صدایت بکاه و بلند فریاد نزن (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۰۰ / مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۵۶). به گفته برخی از مفسران منظور از «یغضوا» (در آیه) بستن چشم نیست بلکه پایین آوردن نگاه و نگاه نکردن است (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۷، ص ۲۰۵-۲۰۶). در واقع، مراد از «غض در صوت و در بصر» فروکاهیدن در صدا و نگاه است.

به نوشته برخی از مفسران: «یغضوا» از ماده «غض» در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می‌شود، بنابراین آیه نمی‌گوید مؤمنان باید چشم‌هایشان را فرو بندند، بلکه می‌گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می‌شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت و اندام او برگرد و چشم خود را پایین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه‌ای را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۳۷).

این آیه به جای اینکه نهی از چشم‌چرانی کند، امر به پوشیدن چشم کرده؛ در واقع، آن امر، این نهی را هم افاده می‌کند. نگاه به زنان اجنبی از سوی مردان و نگاه به مردان اجنبی از سوی زنان را تحریم فرموده (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۱۱۰).

برخی از مفسران به یکی از حکمت‌های حرمت نگاه به نامحرم اشاره کرده و نوشته‌اند؛ چراکه خیره شدن به چهره و اندام زنان، سبب شهوت‌انگیزی است و شهوت‌انگیزی انسان را به سوی حرام می‌کشاند (کریمی حویزی، ۱۴۰۲، ج ۶، ص ۱۰۳).

برخی دیگر از مفسران نیز، وجوب غض بصر را امر مقدمی برای عدم ارتکاب به حرام دانسته‌اند و نوشته‌اند: در واقع رعایت آن، از وقوع در حرام دیگر (نگاه به اجنبیه و تبعات دیگر آن) جلوگیری می‌کند. حتی تعبیر به «یغضوا» را با آنکه ممکن بود بگوید «لا تنظروا»، کاشف از شدت مبالغه در ترک دانسته‌اند؛ یعنی چشم‌ها را برهم بپوشید مبدا چشم شما به نامحرمان بیفتد (ر.ک: حسینی شاه‌العظیمی، ۱۳۶۳، ج ۹، ص ۲۲۷-۲۲۹).

از علامه حلی در باره حرمت نگاه شهوت‌آلود به نامحرمان نقل شده است که نگاه به آنها سبب

افتادن در فتنه و تحریک شهوت جنسی می‌شود؛ از این رو شایسته است باب ورود به این گناه بسته شود (ر.ک: محقق کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۳۹).

نوع کشش و جاذبه زن برای مرد به گونه‌ای است که روابط بدون ضابطه آنان را آسیب پذیر می‌کند؛ به تعبیر سید قطب، نگاه به زن نامحرم سبب تحریک و هیجان؛ رفت و آمد و ارتباط سبب تحریک و هیجان، خندیدن سبب تحریک و هیجان، شوخی کردن سبب تحریک و هیجان و ادا و اطوار زن در نحوه سخن گفتن سبب تحریک و هیجان مرد می‌شود و راه در امان ماندن هر یک از زن و مرد، کاستن از اسباب این تحریک هاست؛ تا آن که این غریزه در حد و مرز طبیعی اش باقی بماند؛ ... از این رو قرآن دستور می‌دهد نخستین نقطه نفوذ که همان نگاه به زیبایی‌های زنان است کنترل شود و از نگاه و خیره شدن به زنان پرهیز گردد، تا از ثمره آن که پاکدامنی است، بهره گرفته شود. (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۲۵۱۲).

۹۳

اینکه در روایات نگاه شهوت آلود به زنان نامحرم تیری مسموم از تیرهای شیطان دانسته شده و سبب حسرت (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۵۹) و در روایتی امیرمؤمنان علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ كَثْرَ أَسْفَهٍ: هر که چشم خود یله و رها نمود، بر اندوه خود افزود» (همان، ج ۸، ص ۲۳): «مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَرَاخَ قَلْبِهِ: هر کس چشمش را فرو بست، قلبش را آسوده ساخت» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۶۳) و همچنین فرمود: «نِعْمَ صَارِفُ الشَّهَوَاتِ غَضُّ الْأَبْصَارِ: فرو بستن چشم، بهترین نگهدارنده از ابتلائی به شهوات است» (همان، ص ۷۱۷)؛ همه این هشدارها برای آن است که این نوع نگاه‌ها سبب ورود به حرام و برای متاهلان، موجب بی‌رغبتی به همسران خود می‌شود.

در روایتی از امام رضا علیه السلام درباره حرمت نگاه به موه‌های زنان نامحرم آمده است: «لِمَا فِيهِ مِنْ قَبِيحِ الرِّجَالِ وَ مَا يَدْعُو التَّهْيِيجَ إِلَيْهِ مِنَ الْفَسَادِ وَالِدُّخُولِ فِيهَا لَا يَحِلُّ وَ لَا يَجْمَلُ: چون سبب هیجان مردان می‌شود و این هیجان او را به فساد و ارتکاب حرام در چیزی که برای او حلال و روا نیست می‌کشاند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۹۴).

برخی دیگر از نویسندگان در زیان نگاه به نامحرمان برای خانواده نوشته‌اند: مردی که زنان جذاب گوناگونی را با آرایش‌های متنوع مشاهده می‌کند و لذت می‌برد، در بازگشت به خانه جذابیتهای در همسر خود نمی‌بیند و این مسئله سبب می‌شود علاقه همسران به یکدیگر کاهش یابد و در نهایت، کانون خانواده به سردی گراید و فرو پاشد. (طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵-۱۱۶).

به نوشته برخی از محققان، پژوهش‌های روان‌شناختی نشان داده است که حتی نگاه به زنان زیبا

موجب می‌شود مردان، همسر خود را کمتر دوست داشته باشند. (آذربایجانی و دیگران، ۱۳۸۲، ص ۲۵۳).

شهید مطهری در انتقاد از التذاذهای فراوان نظری (دیداری) در جامعه می‌نویسد: اگر جامعه این در را به روی انسان‌ها باز کند که در کوچه و خیابان و مجلس و محفل، همه‌جا این وسیله در نهایت درجه فراهم باشد، در چنین صورتی برای چنین مرد یا زنی که تا این حد از نظر لذت نظری اشباع می‌شود محیط خانوادگی جز یک امر کسالت‌آور چیز دیگری نیست، یعنی دیگر نگاه کردن آن مرد به صورت زن خودش برایش لذتی ندارد؛ بلکه یک امر کسالت‌آور است و نگاه کردن آن زن به شوهر خودش دیگر لذتی برایش ندارد یک امر کسالت‌آور است. همین‌طور لذت لمسی، تا چه رسد به لذت‌های بالاتر (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۷، ص ۴۰۲) در واقع، نگاه شهوت‌انگیز ابزاری قوی و قدرتمند برای تحریک شهوات و غلیان لذات جنسی و مقدمه‌ای برای تخیلات شهوت‌آلود و تصورات هوس‌آلود است؛ که گاه هر یک از زن و شوهر را به مقایسه با آنچه در بیرون می‌بینند، وا می‌دارد و همین موضوع ارتباطات زناشویی و پیوندهای زوجین را مورد هدف قرار می‌دهد و به کانون خانواده و پیوند پایدار آسیب می‌رساند.

۲-۲. ستر و حجاب

از دیگر دستورهایی که می‌تواند از آن برای به‌کارگیری حریم‌سازی و مراقبت از کانون خانواده بهره‌گرفت، دستور به حجاب است. مساله حجاب و پوشش و حفظ حریم عفاف مرد و زن در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. خداوند در قرآن به جزئیات برخی از احکام اشاره نکرده ولی در بیان مسائل خانوادگی و تربیتی گاهی به برخی از جزئیات مسائل پرداخته است. از جمله مواردی که در قرآن کریم با جزئیات مطرح شده است مساله «ستر و پوشش» است. این مساله در فرهنگ دینی و اسلامی مسلمانان جایگاه ویژه‌ای دارد و به همین دلیل است که در آموزه‌های قرآن و احادیث، درباره لباس و حجاب مطالب فراوانی وجود دارد؛ در آیات قرآنی علاوه بر تأکید و جوب حفظ حجاب، به بیان چگونگی پوشش بانوان و لزوم پوشش سر، گردن و سینه‌ها، پنهان ساختن زینت‌های غیرظاهری و عدم خودنمایی اشاره شده است (ر.ک: احزاب: ۵۹/ نور: ۳۱).

تعبیرهای قرآن از نوع پوشش زنان، با واژگان خمار (پارچه‌ای که زن با آن سرش را می‌پوشاند)

(ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۲۱۵/راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۲۹۸) و جلباب (پوششی سرتاسری) (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۶۹-۴۷۰/فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۶، ص ۱۳) است که ذیل آیات ۳۱ سوره نور و ۵۹ سوره احزاب بیان شده است. از بررسی نظر مفسران ذیل آیات مذکور و روایات مربوط به پوشش زنان بدست می‌آید در اصل ضرورت حجاب زنان، اختلافی بین مسلمانان نیست. به نوشته برخی از فقیهان همه فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت، اتفاق نظر دارند که غیر از صورت و دست‌ها، بقیه اندام زن برای مرد اجنبی، عورت به حساب می‌آید و پوشش آن واجب است. اما در حدود آن اقوال مختلفی مطرح کرده‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۴۳۳، ج ۱، ص ۱۰۴-۱۱۰).

برای حجاب زنان فلسفه‌های متعددی بیان شده است؛ از جمله معرف شخصیت زن؛ تامین امنیت اجتماعی؛ دفاع از شخصیت انسانی زن؛ بهداشت روانی؛ پیشگیری از التهاب و هیجان جنسی در جامعه؛ استیفای حقوق زن و حفاظت از کانون خانواده (ر.ک: طاهری‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷-۱۱۶).

آنچه از فلسفه و حکمت پوشش در این مقاله مورد نظر است، نقش این قانون الهی در مراقبت از کانون خانواده است. برخی از نویسندگان به این اثر توجه کرده‌اند و نوشته‌اند: اهمیت حجاب و پوشش در اسلام به این دلیل است که نظام خانواده از گسستگی حفظ شود و اعضای آن از خطرات و آسیب‌های روانی بی‌بند و باری مصون بمانند درحالی‌که آزادی زن از حجاب به معنای نمایش زیبایی‌های زنانگی وی است که آثار مخربی بر سلامت روانی خانواده به‌ویژه خودش دارد (سلگی و نبوی، ۱۳۹۶، ص ۴۰۵).

به نوشته دکتر زحیلی، حجاب زنان یکی از دژهای مستحکم برای مراقبت از خانواده‌های مسلمان است (زحیلی، ۱۴۲۹، ص ۵۵).

به عقیده برخی از مفسران آمارهای قطعی و مستند نشان می‌دهد که با افزایش برهنگی در جهان، طلاق و از هم گسیختگی زندگی زناشویی در دنیا بطور مداوم بالا رفته است، زیرا در «بازار آزاد برهنگی» که عملاً زنان به‌صورت کالای مشترکی (دست‌کم در مرحله غیرآمیزشی جنسی) در آمده‌اند؛ دیگر قداست پیمان زناشویی مفهومی نمی‌تواند داشته باشد و خانواده‌ها همچون تار عنکبوت به سرعت متلاشی می‌شوند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۴۴۴).

ازاین‌رو می‌توان گفت با پاسداری از حجاب توسط زنان، نهاد خانواده و روابط زوجین

درخشش و استحکام بیشتری خواهد داشت. همان گونه که شهید مطهری می‌نویسد: فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع از نظر اجتماع خانوادگی این است که همسر قانونی شخص از لحاظ روانی عامل خوشبخت کردن او به شمار برود در حالی که در سیستم آزادی کامیابی همسر قانونی از لحاظ روانی یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به شمار می‌رود و در نتیجه کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۴۳۷).

برخی از نویسندگان نیز عدم رعایت حجاب و خودنمایی زنان را سبب جلب توجه مردان، حتی مردان متاهل دانسته و با توجه به گزینه تنوع‌طلبی مردان و تامین آن از دیدن نامشروع به زنان جلوه‌گر در جامعه، آن را سبب کاهش توجه به همسر و به دنبال آن سستی پیوندهای خانوادگی دانسته‌اند (ر.ک: اکبری، ۱۳۸۸، ص ۳۰-۳۱).

بنابراین، حجاب و پوشش در اسلام سیاستی برای ایجاد حریم است؛ تا بدین وسیله - علاوه بر پاکی و پاکدامنی - خانواده نیز از گسستگی حفظ شود و از این حمای مقدس، مراقبت گردد.

۲-۳. کاهش اختلاط جنسی در محیط کار و دوری از خلوت با نامحرمان

اصل فعالیت اجتماعی زن مورد پذیرش اسلام است. همچنان که از ماجرای دختران شعیب در قرآن مجید بدست می‌آید و از سیره عملی حضرت خدیجه رضی الله عنها که تاجری ثروتمند بود و به کار تجارت می‌پرداخت و رسول خدا صلی الله علیه و آله ایشان را از کار و تلاش درآمدزا، نهی نکردند، دلیل بر جواز و اباحه اشتغال زنان می‌کند ولی الگوی اسلامی اشتغال زنان بر اصل کاهش اختلاط جنسی در محیط کار قرار دارد.

در فعالیت اجتماعی چوپانی دختران حضرت شعیب، ایشان به حضرت موسی گفتند: «لا نَسْقِي حَتَّى يَصْدِرَ الرَّعَاءُ» (قصص: ۲۳) یعنی مادامی که چوپانان مرد آنجا هستند وارد نمی‌شویم و با آنها مختلط در کار آب دادن گوسفندان نمی‌شویم. صیغه مضارع «لا نسقي» دلالت بر سیره مستمره دختران شعیب در عدم اختلاط در محیط‌های شغلی مردانه می‌کند. (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۰، ص ۳۹). حضرت موسی نیز از کلام آنان در نحوه آب‌دهی روزانه به گوسفندان، نوعی عفت‌مندی و فاصله‌گیری از مردان را می‌فهمد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۲۵).

برخی‌ها در باره خطر فضای مختلط اشتغال در روابط زوجین نوشته‌اند: بهره و لذت‌های بصری و سمعی در فضای ارتباطی با همکاران و اربابان رجوع به صورت ناخودآگاه مقدار قابل

توجهی از نیاز عاطفی همسر را کاهش می‌دهد و به‌صورت تدریجی به تنزل کیفیت زناشویی می‌انجامد و بالاخره جدایی عاطفی و فیزیکی را به دنبال دارد. بیش از پنجاه درصد زنان شاغل در جهان در معرض یکی از سوء استفاده‌های جنسی کلامی، فیزیکی یا چشم‌چرانی قرار دارند و تنها پنج تا پانزده درصد از آنان درباره مشکلات خود در محیط کار به یکی از مراجع ذی‌صلاح شکایت کرده‌اند که مهمترین علت آن ترس از دست دادن کار است. از طرف دیگر برخی از مردان معتقدند: زنان، خود از چنین ارتباطاتی در محیط کار استقبال می‌کنند چون این ارتباط امکان پیشرفت آنان را فراهم می‌سازد (زعفرانچی، ۱۳۹۴، ص ۶۷).

دکتر مکيه مژرا در مورد آثار مخرب رها شدگی روابط میان زن و مرد در نظام خانواده می‌نویسد: یکی از آثار عدم رعایت حریم‌ها این است که مردان از تشکیلات خانواده خودداری می‌کنند؛ زیرا لذت‌های جنسی برای آنها همیشه فراهم است که به آسانی می‌توانند به آن برسند بدون آنکه بخواهند خود را در قید و بند خانواده و مشکلات آن قرار دهند (مژرا، ۱۴۱۰، ص ۳۵۴).

شهید مرتضی مطهری، در باره دوری از افراط و تفریط در باره حضور اجتماعی زن، به نکته ظریفی اشاره می‌کند. ایشان بحثی را با عنوان: نه پرده نشینی و نه اختلاط، بلکه حریم مطرح می‌کند و در این باره می‌نویسد:

«صراط مستقیم باریک است... اندکی به نام عفت و عصمت و پاکي، زن را به گوشه صندوقخانه‌ها بکشانیم، پرت شده‌ایم؛ یک ذره به نام دخالت خانم‌ها در اجتماعات و فعالیت‌ها حریم را بشکنیم نیز از آن طرف افتاده‌ایم. شرکت ملازم با اختلاط نیست. شرکت ملازم با نوعی التذاذ جنسی از یکدیگر بردن نیست. پیغمبر اکرم در مسجد مدینه، زنها را اجازه می‌داد می‌آمدند، مردها را هم اجازه می‌داد می‌آمدند. زنها را منع نکرد. ولی یک دفعه فرمود: ای کاش ما برای خانمها در دیگری از مسجد باز کنیم (دلش نمی‌خواست که زنها و مردها از یک در داخل و خارج شوند؛ به یکدیگر تنه می‌زنند، فساد از همین جا پیدا می‌شود) که بعد «باب النساء» را ساختند و الان هم در همان محل در مسجد مدینه دری هست به نام «باب النساء» که مخصوص زنهاست... پیغمبر اکرم خوش نداشت که این حرکت به‌صورت اختلاط باشد. منطقی صحیح همین است. (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۴، ص ۲۹۷).

در قرآن کریم درباره نحوه ارتباط با همسران رسول خدا به هنگام درخواست متاعی از آنان می‌فرماید: «وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ: و چون از

زنان پیامبر چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است» (احزاب: ۵۳). هرچند موضوع این آیه کریمه ارتباط با همسران پیامبر ﷺ است، ولی تعلیل ذیل آیه می‌رساند که این حکم در مورد زنان آن حضرت و اصحاب رسول خدا ﷺ، به دلیل ویژگی آنها نیست؛ بلکه مستند به امری است که در همه انسان‌ها به طور یکسان وجود دارد. «ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ» درخواست از پس پرده برای پاکیزگی دل از ربه و خواطر شیطانی که میل زن و مرد را نسبت به هم برمی‌انگیزد، بهتر است. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۵۷۶/ ابن عربی، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۱۵۷۹) به نوشته برخی از مفسران: «این تعلیل برای ما آشکار می‌سازد که بشر، بشر است حتی اگر از صحابه باشد؛ پس برای هیچ‌کس سزاوار نیست از نفس خویش آسوده خاطر باشد» (قشیری، [بی‌تا]، ج ۳، ص ۱۶۸/ حقی برسوی، [بی‌تا]، ج ۷، ص ۲۱۵). به نوشته ابن عاشور هر چند قلوب هر دو گروه (از مؤمنان و همسران رسول خدا) با تقوا طاهر و پاکیزه است، ولی چون تقوا آنان را به مرحله عصمت نمی‌رساند، لذا خداوند اراده کرده بر درجات تقوا و پاکی آنان بیفزاید و آنان را از خطورات شیطانی حفظ کند، بدین شیوه که حتی ضعیف‌ترین اسباب آن خواطر را قطع نماید (که همان درخواست متاع از پشت پرده باشد) (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۳۱۴). این حریم‌گذاری با درخواست از پشت پرده در واقع همان چیزی است که بر آن نام «مراقبت از حریم حمی» می‌گذاریم.

مهم‌تر از اختلاط، خلوت با نامحرم است که گاه در محل کار در یک اتاق یک زن و مرد نامحرم کنار هم مشغول به کارند؛ که این مسئله نیز نوعی عدم رعایت حریم است که در شریعت ممنوع شمرده شده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۸۵) و در برخی از روایات با این تعبیر که هیچ زن و مرد نامحرمی خلوت نکردند مگر آن که سوومی آنها شیطان است (همان، ج ۱۹، ص ۱۵۴) به این خطر توجه داده است.

به تعبیر شهید مطهری: در مقررات دینی تقوا ضامن و وثیقه بسیاری از گناهان شناخته شده، ولی نسبت به بعضی دیگر از گناهان که تأثیر و جاذبه قویتری دارد، دستور حریم گرفتن داده شده. در مسأله جنسیت به حکم تأثیر قوی و تحریک شدیدی که این غریزه در وجود انسان دارد، این ضمانت از تقوا برداشته شده و دستور داده شده که خلوت با وسیله بی‌عفتی ممنوع است. زیرا این خطر، خطری است که می‌تواند در این حصار (هر اندازه منبع و مستحکم باشد) نفوذ کند و حصار را فتح نماید (ر.ک: مطهری، ۱۳۸۹، ج ۲۳، ص ۷۰۱).

در روایتی از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلَا يَبِيتُ فِي مَوْضِعٍ يَسْمَعُ نَفْسَ امْرَأَةٍ لَيْسَتْ لَهُ بِمَحْرَمٍ: هرکس که به خدا و روز قیامت ایمان دارد در مکان [خلوتی] که صدای نفس زن نامحرمی شنیده می‌شود بیتوته نکند» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۱۸۵) که از آن حرمت خلوت با زن نامحرم را استفاده کرده‌اند (موسوی خویی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۲۱۶-۲۱۷)؛ چراکه شیطان در این حالت از وسوسه انسان غافل نمی‌شود و نیروی شهوت را در او به هیجان می‌آورد تا او را به گمراهی و هلاکت بکشاند (همان، ص ۲۱۷).

در رساله‌های توضیح المسائل مراجع معظم نیز به آن پرداخته شده، که اگر خوف گناه باشد رفتن از آن مکان لازم است. امام خمینی می‌نویسد: اگر مرد و زن نامحرم در محلّ خلوتی باشند که کسی در آنجا نباشد و دیگری هم نمی‌تواند وارد شود چنانچه بترسند که به حرام بیفتند باید از آنجا بیرون بروند (امام خمینی و دیگر مراجع، ۱۴۲۴، ج ۲، ص ۴۹۳). برخی از فقها در ذیل این فتوا نوشته‌اند: «چه به ذکر خدا مشغول باشند یا به صحبت دیگر، خواب باشند یا بیدار» (همان). حتی بودن زن و مرد در مکان خلوت نماز آنها را دچار مشکل می‌کند. جمعی از فقها تصریح کرده‌اند که بودن مرد و زن نامحرم در جای خلوت جایز نیست و نماز خواندن در آن حال را برخی از فقها خلاف احتیاط و برخی جایز ندانسته‌اند و حکم به بطلان آن داده‌اند (ر.ک: همان، ج ۱، ص ۴۹۷).

محقق کرکی علت حرمت بودن زن و مرد نامحرم در خلوتگاه را تحریک شهوت جنسی و افتادن در حرام ذکر کرده است (کرکی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۱۹۱). از این رو به نوشته شهید مطهری هیچ غریزه‌ای به سرکشی و حساسیت غریزه جنسی نیست. احتیاط‌ها و توصیه‌های اسلام مبنی بر دور نگه داشتن زنان و مردان اجنبی تا حدودی که حرج و فلیح ایجاد نکنند، مبنی بر این اصل روانی است. روانشناسی و روانکاوی صد درصد این نظر را تأیید می‌کند و تواریخ و داستان‌ها حکایت می‌کنند که گاهی یک برخورد، یک تلاقی نگاه‌ها در ظرف یک لحظه اساس خانواده‌ای را متلاشی کرده است (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۵۳۱).

بنابراین، برای حمایت از حمای خانواده و رعایت عفت‌نمندی باید زنان در محیط‌های غالباً مردانه، حضور محدودی داشته باشند؛ و مردان و زنان از اجتماع در مکانی که تنها با نامحرمان مشغول کار می‌شوند، بپرهیزند. در واقع کاهش اختلاط، خود حریمی است که زنان و مردان را از آلودگی‌ها حفظ می‌کند و به تبع آن، حریم خانواده و پیوند مستحکم زناشویی میان زوجین را از آسیب‌ها در امنیت نگه می‌دارد.

۲-۴. متانت در برخورد با نامحرمان

از آسیب‌های برون خانوادگی، بی‌مبالاتی در برخورد با نامحرمان در رفتار و گفتار است. این خطر به‌ویژه زنان را بیشتر در معرض خطر قرار می‌دهد؛ از این‌رو اسلام به متانت در برخوردها، رفتارها و سخن گفتن با نامحرمان توصیه می‌کند.

به تعبیر شهید مطهری: شرافت زن اقتضا می‌کند هنگامی که از خانه بیرون می‌رود متین و سنگین و باوقار باشد، در طرز رفتار و لباس پوشیدنش هیچ‌گونه عمدی که باعث تحریک و تهییج شود به‌کار نبرد، عملاً مرد را به سوی خود دعوت نکند، زباندار لباس نپوشد، زباندار راه نرود، زباندار و معنی‌دار به سخن خود آهنگ ندهد، چه آنکه گاهی اوقات ژست‌ها سخن می‌گویند، راه رفتن انسان سخن می‌گوید، طرز حرف زدنش یک حرف دیگری می‌زند (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱۹، ص ۴۴۷).

قرآن کریم به همسران رسول خدا ﷺ در نحوه گفتگو با مردان چنین توصیه می‌کند: «فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعُ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا»: به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویند که بیمارداران در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند» (احزاب: ۳۲).

گرچه مخاطب آیه همسران رسول خدا ﷺ می‌باشند، ولی این خصلت‌ها و برنامه‌ها مشترک میان آنان و سایر زنان است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۰۸).

همان‌گونه که نهی از تبرج در ادامه آیه و دستور به اقامه نماز و دادن زکات، به زنان رسول خدا ﷺ اختصاص ندارد؛ حرمت خضوع در سخن گفتن که همان نازک کردن صدا و زیباسازی آن است، مخصوص آنها نیست و همه زنان را شامل می‌شود (موسوی خویی، ۱۴۱۸، ج ۳۲، ص ۸۲).

زنان را از نازک و نرم سخن گفتن با مردان نهی کرده است؛ چراکه اینگونه حرف زدن سبب تهییج شهوت مردان شده و آنان را که در قلبشان بیماری است _ یعنی همان فقدان ایمانی که آنان را از میل به فحشا باز دارد _ به طمع می‌اندازد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۶، ص ۳۰۹).

به گفته برخی از مفسران وقتی که زن در مواجهه با مردان لطیف و نرم و نازک سخن بگوید، مرد تصور می‌کند، آن زن به او محبت و علاقه‌ای دارد و همین سبب جرأت بیشتر مرد به شوخی با زن شده و به گونه‌ای با وی رفتار می‌کند که با حرمت زن منافات دارد (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲۱، ص ۲۴۱).

برخی از مفسران در نحوه سخن گفتن زنان با نامحرمان نوشته‌اند: «به هنگام سخن گفتن، جدی و خشک و بطور معمولی سخن بگویند، نه همچون زنان کم شخصیت که سعی دارند با

تعبیرات تحریک‌کننده که گاه توأم با ادا و اطوار مخصوصی است که افراد شهوت‌ران را به فکر گناه می‌افکند سخن بگویند. البته «قول معروف» (گفتار نیک و شایسته) معنی وسیعی دارد که علاوه بر آنچه گفته شد، هرگونه گفتار باطل و بیهوده و گناه‌آلود و مخالف حق را نفی می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷، ص ۲۷۹).

نهی از جلب توجه نامحرم‌ان حتی با کوبیدن پا بر زمین از سوی زنانی که خلخال بر پا دارند «وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» (نور: ۳۱) نیز گام دیگری برای حریم‌سازی است؛ چراکه این رفتار موجب جلب نظر و ایجاد میل و شوق جنسی در مردان می‌شود (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۴، ص ۱۰۵/آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۹، ص ۳۴۰).

همان‌گونه که جلب توجه مردان نامحرم با بوی خوش نیز در روایات مورد مذمت و سبب لعن الهی قرار گرفته است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۲۴۷) و در روایتی دیگر استعمال بوی خوش برای غیرشوهر سبب می‌شود که نماز زن پذیرفته نشود (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۰۷).

به هر حال، متانت در برخورد با نامحرم‌ان، دوری از ناز و عشوه در سخن گفتن زنان نامحرم با مردان، عدم جلب توجه مردان با شیوه‌های گوناگون، از جمله دوری از استعمال بوی خوش در بیرون از محیط منزل، می‌تواند از طمع مردان نسبت به آنان بکاهد؛ همان‌گونه که عدم رعایت این موارد، سبب طمع نامحرم‌ان - به‌ویژه بیماردلان - شده؛ در نتیجه کانون خانواده و محیط گرم روابط زوجین مورد آسیب جدی قرار می‌گیرد.

۲-۵. تحریم خواستگاری از مزوجه و مطلقه رجعیه

یکی از احکام شریعت اسلامی حرمت خواستگاری از زن شوهر دار و زنی است که در طلاق رجعی به سر می‌برد. این حکم و پیامدهای بعدی آن، نیز می‌تواند برای مراقبت هرچه بیشتر از کانون خانواده و جلوگیری از تزلزل و فروپاشی خانواده مورد تحلیل قرار گیرد. از نظر فقها و تردیدی در حرمت آن‌ها وجود ندارد (ر.ک: کرکی، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۴۹) و حرمت آن قطعی است (کاشف‌الغطاء، ۱۳۵۹، ج ۲، ص ۲۶).

برای حرمت خواستگاری از مطلقه رجعیه و زن شوهر دار علاوه بر اجماع (خوانساری، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۲۸۱) به آیه ۲۳۵ سوره بقره استدلال شده است که در آن از خواستگاری از مطلقه رجعیه نهی شده است؛ هرچند درخواست کنایی مجاز دانسته شده است: «وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُمْ بِهِ

مِنْ خُطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَ لَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا» گر چند این آیه در باره مطلقه رجعیه است، ولی چون سبب حرمت، جایگاه و احترام زوج است از آن حرمت خواستگاری از زن شوهر دار به طریق اولویت به دست می‌آید (همان، ص ۲۸۱-۲۸۲)؛ در این باره روایات متعددی نیز وجود دارد (ر.ک: حرّ عاملی، ج ۲۰، ص ۴۹۷-۴۹۸). همچنین در فلسفه حرمت خواستگاری از چنین زنانی گفته شده که حرمت آبروی مؤمن همانند جان و مال اوست؛ از این رو، خواستگاری حتی بعد از طلاق و قبل از انقضای عده، در حقیقت هتک حرمت زوج است؛ علاوه بر آن که خواستگاری از زن شوهر دار خالی از مفسده نیست (موجب تحریک به جدایی زن و گاه ارتباطات نامشروع می‌شود) (سبحانی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۳۴-۳۵). همان گونه که وعده پنهانی برای ازدواج با زنی که در عده است نیز ممنوع شمرده شده است «و لَكِنْ لَا تُؤَاعِدُوهُنَّ سِرًّا» چراکه به نوشته برخی از مفسران، دیدار پنهانی برای وعده‌های ازدواج در زمان عد، مجال را برای برخی از وسوسه‌های شیطانی آماده می‌کند و چه بسا سبب انحراف و وقوع در معصیت می‌گردد (فضل‌الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۳۴۳).

در حقیقت اهمیت حفظ خانواده و حریم زوجیت، سبب می‌شود که هر نوع تعرض - حتی پس از طلاق که هنوز زن در عده به سر می‌برد و زمینه برای بازگشت به شوهرش وجود دارد - به این حریم ممنوع شود.

۲-۶. حرمت ازدواج با زن متأهل و مطلقه رجعی و آثار مترتب بر آن

یکی دیگر از احکام مربوط به خانواده، حرمت ازدواج با زن متأهل و همچنین مطلقه رجعیه است. علاوه بر حکم تکلیفی حرمت، آثار حقوقی و وضعی نیز بر آن بار می‌شود که همه این‌ها حکایت از اهتمام شارع به حفظ کانون خانواده دارد.

فقها گفته‌اند: در صورت عقد با چنین زنی، در صورت علم به حکم حرمت ازدواج و موضوع (در عده‌بودن زن) عقدش باطل است؛ علاوه بر آن، بر یکدیگر حرام ابدی خواهند بود و در صورت جهل به هر یک، و دخول نیز حرام ابدی می‌شوند، ولی در صورت عدم دخول، تنها عقد باطل است (ر.ک: نجفی، [بی‌تا]، ج ۲۹، ص ۴۲۹-۴۳۰ / خمینی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۸۳) و روایات متعددی نیز در این باره نقل شده است (ر.ک: حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۰، ص ۴۴۹-۴۵۷).

در قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مواد ۱۰۵۰ و ۱۰۵۱ نیز احکام پیشگفته آمده است.

به هر حال، موارد فوق می‌تواند نوعی حریم‌گذاری برای کانون خانواده، دورداشت دیگران از نزدیک شدن به آن و جلوگیری از تزلزل و فروپاشی خانواده محسوب شود.

۲-۷. مصادیق جدید

علاوه بر آنچه بیان شد، بر اساس قاعده حریم حمی مصداق‌های جدید ارتباط میان نامحرمان که برای خانواده آسیب‌زاست نیز ممنوع است. به عبارتی، هر مصداق جدیدی که سبب حریم‌شکنی شود، ارتباط نامحرمان را تسهیل کند و سبب آسیب رساندن به نهاد خانواده گردد، بر اساس همین قاعده می‌توان آن را غیرمجاز دانست. ارتباط‌های صمیمی در فضای مجازی، تماس‌های تصویری (بدون رعایت حدود شرعی) میان نامحرمان، فرستادن استیکرهای نامناسب و تحریک‌کننده و مانند آن را می‌توان از مصادیق شکستن حریم حمی دانست که با عدم رعایت آنها، کانون خانواده روزبه‌روز آسیب بیشتری می‌بیند.

نتیجه

خانواده در نگاه شریعت اسلامی و آموزه‌های وحیانی بسیار مهم دیده شده و به تشکیل آن سفارش و از گسست آن نکوهش شده است.

اسلام برای مراقبت هرچه بیشتر از کانون مقدس خانواده، دستوراتی داده است. می‌توان بخشی از آنها را در قالب قاعده مراقبت از حریم حمی تبیین کرد. بدین معنا که اسلام برای مراقبت از حمای خانواده به عنوان نقطه کانونی، محیط‌های پیرامونی متعددی تعریف کرده است که بخشی از آنها مربوط به درون خانواده و بخشی مربوط به بیرون آن است. در این مقاله مواردی از مراقبت‌های بیرون خانوادگی برای حفظ و حمایت از نقطه کانونی مورد بررسی قرار گرفت.

مواردی مانند: غض بصر و فرو انداختن چشمان در برخورد با نامحرمان و خیره نشدن در نگاه به آنان؛ چراکه نگاه‌ها دل را تیره و زمینه را برای مراحل بعدی و تعدی از حدود الهی آماده می‌کند و به کانون خانواده و توجه هر یک از زوجین نسبت به یکدیگر می‌کاهد.

همچنین، رعایت حجاب و حدود شرعی در پوشش، خود حریم دیگری برای جلوگیری از فساد و آسیب‌رسانی به کانون خانواده است.

کاهش اختلاط با نامحرمان در محیط کار و تحصیل؛ دوری از خلوت با نامحرمان در محیط

کار و مانند آن حریم دیگری است که افراد را از آلودگی و آسیب‌رسانی به خانواده حفظ می‌کند. متانت و سنگینی در رفتار زنان با نامحرمان و دوری از صدای تحریک‌کننده در ارتباط کلامی، دوری از جلب نظر نامحرمان با بوش خوش، حریم‌سازی دیگری از جانب شریعت است. تحریم خواستگاری از زن شوهر دار و از مطلقه رجعیه و همچنین بطلان عقد با زن متأهل و زنی که در عده است، و تحریم ابدی در صورت علم به حکم و موضوع و تحریم ابدی در صورت دخول حتی در جایی که علم نداشته، نشان از حریم‌گذاری شریعت برای خانواده و مراقبت از کانون خانواده است.

مصادیق جدید ارتباط بانامحرمان که می‌تواند از نوع محیط‌های پیرامونی و آسیب‌زا به خانواده باشد را نیز می‌توان براساس همین قاعده مورد توجه قرار داد.



منابع

- * قرآن کریم.
۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران؛ روان‌شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی؛ تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، ۱۳۸۲.
 ۲. آلوسی، سید محمود؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم؛ تحقیق علی عطیه؛ بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
 ۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ تحقیق مصطفی درایتی؛ قم: مکتب‌الاعلام الإسلامی، ۱۳۶۶.
 ۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی؛ من لایحضره الفقیه؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.
 ۵. ابن عاشور، محمد طاهر؛ التحریر والتنویر؛ بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.
 ۶. ابن عربی، محمد بن عبدالله؛ احکام القرآن؛ تحقیق علی محمد بجاوی؛ بیروت: دارالجمیل، ۱۴۰۸ق.
 ۷. ابن فارس، احمد بن فارس؛ معجم مقانیس اللغة؛ تحقیق عبدالسلام محمد هارون؛ قم: مکتب‌الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
 ۸. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
 ۹. اکبری، محمد رضا؛ حجاب در عصر ما؛ ج ۵، تهران: نشر پیام آزادی، ۱۳۸۸.
 ۱۰. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ أنوار التنزیل و أسرار التأویل؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.
 ۱۱. جوهری، اسماعیل بن حماد؛ الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية؛ تحقیق احمد عبدالغفور عطار؛ بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ق.
 ۱۲. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعة؛ تحقیق عبدالرحیم ربانی شیرازی؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
 ۱۳. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی عشری؛ تهران: میقات، ۱۳۶۳.
 ۱۴. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی؛ تفسیر روح البیان؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
 ۱۵. حکیم، سید محمد تقی؛ الأصول العامة فی الفقه المقارن؛ ج ۲، قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام،

- ۱۴۱۸ق.
۱۶. خمینی، سیدروح‌الله و مراجع دیگر؛ توضیح المسائل (محشی)؛ چ ۸، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۲۴ق.
۱۷. خمینی، سیدروح‌الله؛ تحریر الوسیلة؛ قم: دارالعلم، [بی تا].
۱۸. خوانساری، سیداحمد؛ جامع المدارک فی شرح مختصر النافع؛ چ ۲، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۴۰۵ق.
۱۹. داودی، سعید؛ «قاعده حریم حمی»، حقوق اسلامی؛ ش ۴۳، زمستان ۱۳۹۳، ص ۳۳-۶۷.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ تحقیق صفوان عدنان داودی؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
۲۱. زحیلی، محمدمصطفی؛ المرأة المسلمة المعاصرة، مکاتنها - حقوقها - أحكامها؛ دمشق: دارالفکر، ۱۴۲۹ق.
۲۲. زعفرانچی، لیلآسادات؛ مجموعه مقالات اشتغال زنان؛ [بی جا]: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۴.
۲۳. سبحانی تبریزی، جعفر؛ نظام النکاح فی الشریعة الإسلامیة الغراء؛ قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، [بی تا].
۲۴. سلگی، مریم و زهره السادات نبوی؛ «آثار حجاب بر سلامت معنوی زن و خانواده»، کنگره بین المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه، ۱۳۹۶، ص ۴۰۱-۴۰۷.
۲۵. سید قطب، قطب بن ابراهیم؛ فی ظلال القرآن؛ بیروت: دارالشروق، ۱۴۱۲ق.
۲۶. طاهری نیا، احمد؛ حضور زن در عرصه های اجتماعی - اقتصادی از نگاه آیات و روایات؛ چ ۲، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۹.
۲۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ ۲، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۰ق.
۲۸. طبرسی، فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی و هاشم رسولی؛ چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۲۹. طریحی، فخرالدین؛ مجمع البحرين؛ تحقیق سیداحمد حسینی؛ تهران: المكتبة المرتضویة، ۱۳۷۵.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن؛ الأمالی؛ قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ق.
۳۱. عمید، حسن؛ فرهنگ عمید؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد؛ العین؛ تحقیق مهدی المنزومی و ابراهیم السامرائی؛ چ ۲، قم:

- مؤسسه دارالهیجره، ۱۴۰۹ق.
۳۳. فضل الله، سید محمد حسین؛ تفسیر من وحی القرآن؛ بیروت: دارالملاک، ۱۴۱۹ق.
۳۴. قرشی، علی اکبر؛ تفسیر حسن الحدیث؛ تهران: بنیاد بعثت، ۱۳۷۷.
۳۵. قشیری، عبدالکریم بن هوازن؛ لطائف الإشارات؛ مصر: الهيئة المصرية العامة للكتاب، [بی تا].
۳۶. کاشف الغطاء، محمد حسین؛ تحریر المجله؛ نجف اشرف: المكتبة المرتضوية، ۱۳۵۹ق.
۳۷. کرکی، علی بن حسین؛ جامع المقاصد فی شرح القواعد؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۱۴ق.
۳۸. کریمی حویزی، محمد؛ التفسیر لکتاب الله المنیر؛ قم: چاپخانه علمیه، ۱۴۰۲ق.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ ج ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۴۰. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار؛ تحقیق جمعی از محققان؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۴۱. مرزا، مکيه؛ مشکلات المرأة المسلمة المعاصرة و حلها؛ مکه مکرمه: دارالمجتمع، ۱۴۱۰ق.
۴۲. مطهری، مرتضی؛ مجموعه آثار؛ تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۴۳. معین، محمد؛ فرهنگ لغت معین؛ تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۷۴.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ کتاب النکاح؛ ج ۱، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب، ۱۴۳۳ق.
۴۶. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ مصباح الفقاهة؛ تقریر محمد علی توحیدی؛ [بی جا]: [بی نا]، [بی تا].
۴۷. موسوی خویی، سید ابوالقاسم؛ موسوعة الإمام الخوئی؛ قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئی، ۱۴۱۸ق.
۴۸. هاشمی شاهرودی، سید محمود؛ موسوعة الفقه الإسلامی طبقاً لمذهب أهل البيت، قم: مؤسسه فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۲۳ق.
۴۹. هدایت نیا، فرج الله؛ کارکردهای عفاف در حقوق خانواده، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۴۰۱.